معبد هفت تپه

مهراز، رحمت الله

کشف موفقیت‏آمیز آثار جدیدی از عیلام بار دیگر اذهان باستانشناسان را متوجه این مرکز تمدن دوران کهن نمود.در هفت تپه واقع در چند کیلومتری شوش و چغازنبیل یک هیئت ایرانی بریاست دکتر نگهبان آثار باارزشی از دوران عیلامی از زیر خاک بیرون آوردند.شوش،یکی از قدیمی‏ترین شهرهای جهان است که اسناد تمدن دورانهای مختلف را در سینه خود حفظ کرده است.در چغازنبیل نیز هیئت فرانسوی‏ بریاست دکتر گریشمن آثاری کشف کرده بودند ازاینرو وجود تپه‏های آن حوالی‏ کلنگ کنجکاو باستانشناسان را انتظار می‏کشید و در نتیجه در دو تپه بقایای تمدن‏ کهنسال از زیر خاک سربرآورد.در یکی از تپه‏ها سفالهائی بدست آمده که معرف یک‏ تمدن ما قبل تاریخ است.اینگونه آثار در سراسر خاک ایران وجود دارد و نمودار وضع‏ زندگی بومیان این سرزمین قبل از تسلط آریائیهاست در تپه دیگر برفراز قبر یکی از فرمانروایان یک طاق هلالی از زیر خاک بیرون آمد.این مسئله بخودی خود نشان‏ میدهد که سازندگان این بنا هزاران سال تمدن و تجربه و هنر و فرهنگ را پشت سر گذاشته‏اند زیرا نحوه طاق‏سازی مستلزم یک ممارست در هنر معماری است که طبعا هزاران‏ سال طول میکشد با فکر درست بشر چنین طرحی را بریزد.بشر همیشه از طبیعت تقلید کرده است.برای خانه‏سازی در ابتدا کوشیده است تا شکل غارها و شکافها و سایبانها را تقلید نماید.ازاینرو به ساختن آلونک پرداخت سپس برای محافظت از سرما اطراف آن‏ را با شاخه‏های درخت پوشانید و باز در تصادم با عوامل طبیعی نظیر باران بفکر افتاد که جداری از گل خام روی شاخه‏هائی که لانه‏اش را تشکیل میداد بکشد بدین ترتیب طی‏ قرنها،انسان توانست به پیشرفتی در تهیهء مسکن نائل گردد.بشر از این مرحله تا خانه‏های‏ گلی و سنگی و آجری و بالنتیجه بنای طاق فاصله‏ای بس دراز از زمان را پیموده است.

این اطاق بوسیلهء راهروی به معبد کوچکی منتهی میشود که روی دیوارهای‏ آن اشکال هندسی دیده میشود دقت در وضع این اشکال نشان میدهد که سازندگان آن‏ با طریقهء استفاده از پرگار یا آلتی که کار پرگار را انجام دهد آشنا بوده‏اند.مساحت این‏ معبد هشتاد متر مربع است که احتمال داده‏اند دو طبقه بوده چنین بنظر میرسد که مردگان‏ را پس از شستشو و انجام تشریفات مذهبی در این معبد دفن میکرده‏اند زیرا بر رویهم 15 اسکلت از آنجا بدست آمده که طبق مراسم مذهبی خاصی آنها را غالبا بشکل مثلث قرار داده‏اند.

در گوشه‏ای از معبد سنگ نوشته‏ای بخط میخی عیلامی قرار داده شده که پنجاه و پنج‏ سطر است.از روی این کتیبه کپیه‏برداری شده تا جهت قرائت آن را از دانشمندان فن بفرستند.

خط عیلامی یکی از مشکل‏ترین خطوط جهان باستان است که پیش از سیصد علامت دارد و یکی از بزرگترین خطشناسان عیلامی پروفسور جرج کامرون آمریکائی‏ است که تاکنون کتیبه‏های زیادی را قرائت کرده.یکی از مهمترین کارهای این استاد قرائت کتیبه معروف(دیوان)است که در زمان خشایار شا نوشته شده و قطعات آن در تخت‏ جمشید بدست آمد.ترجمهء فارسی این کتیبه را چند سال پیش نگارنده در مجله چهارم‏ گزارش‏های باستانشناسی انتشار داد.

\*\*\* عیلام یعین کوهستان و بر مملکتی اطلاق میشد که از ایالات حوزستان،لرستان، پشتکوه،پیش کوه،کوههای بختیاری و کهکیلویه تشکیل میگردید.حدود آن از شمال براهی بود که از همدان ببابل میرفت،از مشرق به قسمتی از پارس،از جنوب به‏ خلیج فارس و بوشهر و از مغرب به رود دجله.شهرهای مهم آن عبارت بودند از شوش که‏ پایتخت عیلام بوده-ماداکتو روی رود کرخه-خاید آلو که امروز خرم آباد جای آنرا گرفته-و بالاخره اهواز.

عیلامیها کشور خود را«انزان سوسونکا»مینامیدند و لفظ عیلام را سامی نژادان باین مملکت داده‏اند و طبق قواعدی که در اینجا مجال بحث آن نیست باید آنرا«ع» نوشت و ضبط این کلمه بصورت«ایلام»غلط است.

تاریخ عیلام نیز مانند هر مملکت دیگر شامل دو قسمت است 1-ما قبل تاریخ‏ 2-دوره تاریخی از حفریاتی که توسط«دهرگان»انجام گرفت تمدن ما قبل تاریخ عیلام‏ را تا 45000 سال پیش میبرند.پاره‏ای از باستانشناسان این حدس را مبالغه دانسته و پیشینه تمدن این سرزمین را 20000 سال قبل میدانند.

این تاریخ‏گذاری برمبنای کشف اشیاء سنگی است زیرا دوران مزبور مربوط به اعصار حجر است.

دوران تاریخی عیلام از هزاره چهارم قبل از میلاد آغاز میگردد زیرا در این‏ زمان خط وجود داشته و این خود نتیجهء تکاملی است که کمتر از ده هزار سال بطول نخواهد انجامید.

بطوری که قرائن نشان میدهد عیلام مرکز زد و خوردهای بسیار شدید بوده‏ کمااینکه سه هزار سال قبل از میلاد ناگهان زبان انزانی بکلی متروک میشود ولی‏ 1500 سال بعد مجددا زنده میگردد.این امر مؤید این حقیقت است که طی این مدت‏ خارجیان بر کشور مسلط بوده‏اند و اجازه نمیداده‏اند زبان رسمی مردم در کتیبه‏ها و نوشته‏ها و اسناد مورد استفاده قرار گیرد.

عیلام نقش بس مهمی در سیاست منطقه‏ای داشته که اهم آنها از اینقرار است.

1-انقراض دولت مقتدر و متمدن سومر و پراکندن آنان به جاهای دوردست‏ که در نتیجه همین عمل عده‏ای به تأسیس تمدن فنیقی مبادرت ورزیدند.بدین ترتیب‏ همانطور که از مردن یک سلول بدن دو سلول جدید و فعال بوجود میآید از بطن مرد سومر تمدن بحر پیمایان فنیقی زائیده شد که رنگ تازه‏ای برخسار تمدن و فرهنگ دنیای کهن داد.

2-فرار قبایل هیکسوس به مصر و تشکیل سلسلهء فراعنه هیکسوس.

3-کوچ کردن ابراهیم خلیل باقبائلش از قلمرو عیلام و فرار آنان به قلب‏ عربستان و بنای خانه کعبه.

4-فشار به قبایل آشور و متمرکز کردن آنان در یکجا که منجر به تشکیل یکی از مقتدرترین امپراتوریهای جهان گردید.

5-انقراض حکومتهائی نظیر کاسوها و سومریها و کمک به اضمحلال قدرتهائی‏ که هرکدام چندی در بین النهرین به حکومت میرسیدند.

6-سرکوبی مکرر سلاطین و سلسله‏های بابلی و جلوگیری از توسعهء قدرت‏ آنان و ممانعت از گسترش قلمرو این پادشاهان به داخله ایران.

7-کمک عیلامیها به کلدانی‏ها علیه آشوریها که این جنگها نزدیک پنجاه‏ سال بین النهرین را غرق در خون کرده بود اولین برخورد عیلامیها که در کتیبه‏ها مضبوط است با فرمانروای سومری موسوم به«ان ناتوم»اول بوده است.این جنگ در هزاره چهارم قبل از میلاد،اتفاق افتاد.یک کاهن سومری این واقعه را برای یکی از دوستان خود نوشته و همین امر باعث شده است که امروز مامر از واقعه خونین پی‏می‏بریم‏ علت جنگ این بوده که عیلامیها مزارع و اراضی سومریها را مورد حمله و غارت قرار میداده‏اند و سومر آنانرا بعقب رانده است.

در 2800 قبل از میلاد مانیشتودرا که سلسله کیش را تشکیل داد.این‏ سلسله با قدرت حکومت کرد و پیوسته عیلام را در حال ضعف نگاه میداشت.مانیشتودر جنگی پادشاه عیلام را اسیر کردو بپایتخت خود برد.ساگن اول نیز از همین سلسله‏ مزارع عیلام را لگدمال کرد و لشکریانش را درهم شکست در زمان«نرم‏سین»،سلسله‏ گوتی‏ها و«گودا»سومرها که بر عیلام تسلط داشتند.

در سال 2450 قبل از میلاد سلسله جدیدی در سومر بتخت نشست و«دونگی» دومین پادشاه این سلسله استعمال تیروکمان را از سامی نژادان آموخت و با تفوق اسلحه‏ عیلام و لولوبی را گرفت(لولوبی بین بغداد و کرمانشاهان واقع بود)

از این هنگام طغیان و شورش در عیلام بالا میگیرد و سومریها ناچار بودند برای‏ فرونشاندن آن پیاپی به آنجا لشکرکشی کنند.این لشکرکشی‏ها سومر را ضعیف کرد تا آنجا که پادشاه سومر بدست عیلامیها اسیر شد.از این زمان دوران نضج قدرت عیلام‏ آغاز میگردد زیرا در سال 2280 قبل از میلاد نه فقط سومر باشتغال عیلام درمیآید بلکه‏ مجسمة ربة النوع ارخ را هم به شوش میبرند.

آخرین تلاش سومری‏ها تشکیل سلسله‏ای موسوم به نی‏سین بود که در سال‏ 2239 قبل از میلاد تشکیل شد ولی ریم سن پادشاه عیلام در سال 2115 قبل از میلاد سلسله مزبور را منقرض کرد و به عمر فرمانروائی سومریها برای همیشه خاتمه داد.

عیلام و بابل

از سال 2200 قبل از میلاد تا 745 ق.م عیلام با حکومت تازه‏نفسی مانند بابل‏ سروکار پیدا کرد.بابلی‏ها مردمانی از نژاد سامی بودند که از قلب عربستان بیرون آمده‏ در بین النهرین مستقر شدند و تمدن جدید و وسیعی را بنا نهادند.

حمورابی ششمین پادشاه این سلسله(2123-2080 ق.م)،همان کسی که‏ اولین قانون مدون از او بجامانده ریم‏سین پادشاه عیلام را از شهر لارسا بیرون کرد پسر حمورابی نیز بر عیلامیها شکستی وارد آورد ولی در همین هنگام(خون‏بان نومنیا)در عیلام‏ به سلطنت رسید و پایه‏های قدرت مملکت را استوار ساخت.مقارن با این ایام حیت‏ها از شمال ببال حمله کردند و سلسله اول بابلی را منقرض کردند ولی تسلط آنان با هجوم‏ کاسوها از کوههای زاگرس بپایان رسید.کاسوها نتوانستند مدت زمانی دوام بیاورند زیرا«شوتروک ناخون‏نا»پادشاه عیلام آنانرا پراکنده ساخت و خود بابل را بتصرف درآورد.

مردمان تازه نفس کلده نیز بابل را مورد حمله قرار دادند.آشوریها که از قرن‏ هیجدهم قبل از میلاد به تشکیل حکومت مبادرت ورزیدند در برابر کلدانی‏ها قرار گرفتند عیلام دشمن دیرینه آشور از کلده حمایت کرد ولی سرانجام در زمان بنو نصیر پادشاه‏ آشور کلدانی‏ها مغلوب شدند.

آشور و عیلام

از این هنگام یعنی از سال 745 تا 645 ق.م عیلام با آشور روبرو است.

طی این صد سال پیاپی بین دو کشور جنگ و خونریزی برقرار بود و سرانجام‏ آشوریها با پارس‏ها همدست شده از مشرق و مغرب عیلام را تحت فشار و محاصره قرار داده‏ آنرا منقرض کردند.و قلمرو عیلام بین پارس‏ها و آشوریها تقسیم گردید.تاریخ جنگهای‏ عیلام و آشور برعکس گذشته‏های دور نسبتا روشن و مهیج است ولی بعلت طولانی شدن مقاله‏ از ذکر آن صرفنظر مینمائیم.